

۱۴۱

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

یافتن هدایت

در

سایه سار ولایت

۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰
۱۴ جمادی الثانی ۱۴۳۹

تکشیر این جزو ه

با رعایت محتوا ، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلته الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

قال الله تبارك وتعالى :

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱).

جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت ﷺ هر پلیدی را بزداید و شما را به شایستگی پاک گرداند.

چکیدهی سخن

در جلسات گذشته، بعد از اینکه مقام عصمت را از «آیه‌ی تطهیر» برای خمسه‌ی طیبه ﷺ ثابت کردیم، به اثبات شمول این مقام، برای سایر حضرات معصومین ﷺ پرداختیم. در این جلسه، جهت تذکر و یادآوری، به بیان مقام عصمت رسول الله ﷺ که در دنباله‌ی فرضیه‌ی عدالت صحابه مطرح شد، می‌پردازیم^(۲).

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. برای اطلاع بیشتر از مباحث عصمت، رجوع کنید به جلد چهارم کتاب «سیری در آیات

در فرضیه‌ی عدالت صحابه، نظر اهل سنت این است که همه‌ی صحابه‌ی پیغمبر ﷺ در تمام شئونات زندگی، دارای مقام عدالت کامل هستند؛ اما علمای شیعه با استناد به آیات قرآن کریم، معتقد‌اند اعمال و رفتار صحابه، تعارض آشکاری با عدالت آنها دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزی را بر خدا و رسول ارشد ﷺ مقدم بر آنها نشمردید (و پیشی مگیرید).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتُكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾^(۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را فراتراز صدای پیامبر ﷺ نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید).

وقتی خداوند، آنان را از ارتکاب این اعمال، در حضور پیغمبر ﷺ نهی می‌کند، معلوم می‌شود صحابه، صحابان عدالت نیستند. حتی در مواردی آنها با شخص رسول الله ﷺ معارضه می‌کرده و با ایشان ﷺ درگیر می‌شند^(۳).

نظریه پردازان اهل سنت، با مشاهده‌ی این حقایق، بر سر دوراهی پیچیده‌ای قرار گرفته‌اند؛ زیرا یا باید بپذیرند صحابه‌ی رسول الله ﷺ مخالفاند و این اعمالی که از آنها صادر شده است، موجب سقوط آنها از مرتبه‌ی عدالت می‌شود، یا باید عصمت مطلق پیامبر ﷺ را زیر سؤال برده و انکار کنند، چراکه، وقتی پیامبر ﷺ معموم مطلق نباشند، و دچار اشتباه شوند، اشتباهات و تخلفات

→ ولایت و امامت»، تأثیف حضرت آیت الله یشربی مدقّله که به زودی در دسترسی علاقمندان قرار می‌گیرد.

۱. سوره حجرات، آیه ۱.

۲. همان، آیه ۲.

۴

۳. برای اطلاع بیشتر به جزوی شماره ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۸۱ و ۸۲ مراجعه کنید.

صحابه عیبی محسوب نمی‌شود. در کتب اهل سنت، در موارد متعددی مشاهده ۱۴۱

می‌کنیم که هر جا معارضه‌ای بین مقام رسول الله ﷺ و جایگاه صحابه صورت بپذیرد، اهل سنت، از جایگاه صحابه طرفداری می‌کنند و امتیاز را از مقام پیامبر ﷺ برداشته و به صحابه واگذار می‌کنند. دلیل طرفداری اهل سنت از صحابه این است که اگر بپذیرند در میان صحابه، افراد غیرعادل هم وجود داشته‌اند، اساس و کیان مكتب خلافت و سقیفه ساقط و منهدم می‌شود. لذا اهل سنت ناچار شدند که در مفهوم واقعی مقام عصمت رسول الله ﷺ تصرف کرده و بگویند: قبول داریم که پیغمبر ﷺ دارای مقام عصمت‌اند، اما عصمت ایشان ﷺ فقط در مرحله‌ی تلقی و ابلاغ وحی از سوی پروردگار است^(۱)؛ یعنی هر آنچه که خداوند به پیغمبر ﷺ می‌گوید، ایشان ﷺ بدون هیچ تغییر و تصرفی، آن را به مردم ابلاغ می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهُوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^(۲).

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آنچه می‌گوید، چیزی جزو وحی که بر او نازل شده نیست.

بنابراین، ممکن است رسول خدا ﷺ در سایر شئون زندگی؛ زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی، تدبیر سیاست در بین مردم و اجرای احکام، دچار خطا و اشتباه شوند و در این زمینه، ایشان ﷺ در مقایسه با مردم عادی امتیاز ویژه‌ای ندارند.

عده‌ای از علمای اهل سنت پا را فراتر نهاده و به عصمت پیامبر ﷺ در تلقی وحی هم خدشہ وارد کرده‌اند و به افسانه‌پردازی جعل داستان موهون غرانیق

پرداختند که در این داستان شیطان توانست در وحی الهی تصرف کند و رسول الله ﷺ هم - العیاذ بالله - آگاه نشدن و خیال کردند این کلام ، وحی از طرف خداوند متعال است^(۱).

پیامدهای پذیرفتن نظریه‌ی اهل سنت

در مباحث گذشته ، در دفاع از ساحت ملکوتی رسول الله ﷺ - که مظلومیت ایشان ﷺ از مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم بیشتر است - ، مطالب فراوانی را مطرح کردیم و در اینجا به ذکر اجمالی آنها بسنده می‌کنیم .

۱. اگر عصمت رسول گرامی اسلام ﷺ را ، فقط در تلقی و ابلاغ وحی منحصر بدانیم ، نتیجه‌ی آن ، پذیرش امکان خطوا و اشتباه در ساحت ایشان ﷺ می‌باشد و باید بپذیریم پیغمبر ﷺ - نعوذ بالله - دروغ می‌گوید و به هوای نفسانی اش اعتنا می‌ورزد و ... در حالی که قبول این نظریه ، مغایرت اساسی با آیات قرآن مجید دارد .

خداوند متعال می‌فرماید :

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا﴾^(۲)

آنچه را رسول خدا ﷺ برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) ، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید .

آیا امکان دارد خداوند ، مردم را به پذیرش گفته‌های فردی به طور مطلق امر کند ، در حالی که درگفتار آن شخص ، امکان خطوا و اشتباه وجود داشته باشد ؟ آیا خداوند مردم را به خلاف پذیری ، دروغ پذیری و جهالت مأمور کرده است ؟

۱. از منابع اهل سنت : فتح الباری ، جلد ۸ ، صفحه ۳۳۳ ; مجمع الزوائد ، جلد ۷ ، صفحه ۱۱۵ :

برای اطلاع بیشتر به جزوی ۸۶ مراجعه نمایید .

۲. سوره حشر ، آیه ۷ .

اگر کسی در آیه‌ی فوق ، مناقشه‌کند و بگوید : جمله‌ی ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ﴾ ۱۴۱
 یعنی «ما آتاکم من عند الله» یعنی «هر آنچه که از طرف خداوند نازل شده باشد
 مردم باید از رسول خدا ﷺ پیروی کنند و پیغمبر ﷺ فقط در این مقام
 معصوم است» ، در پاسخ به او ، دو آیه‌ی دیگر ذکر می‌نماییم که هرگز قابل توجیه و
 مناقشه نخواهد بود . خداوند سبحان می‌فرماید :

الف - ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمُ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^(۱).

خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا ﷺ را اطاعت کنید و اولو‌المراء
 میان خودتان [او صیای پیامبر ﷺ] را .

همانطور که خداوند ، مردم را به طور مطلق ، مأمور به اطاعت از خود می‌کند ، به
 مردم دستور می‌دهد که به طور مطلق از رسول اش ﷺ اطاعت و پیروی کنند .

ب - ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^(۲).

مسلم‌ما برای شما در زندگی ، رسول الله ﷺ سرمشق نیکوبی بود .

«اسوه» به معنای الگوی رفتاری است^(۳) ؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ هر عملی را
 انجام می‌دهند ، مردم مأمور به پیروی و گام نهادن در مسیر رسول الله ﷺ
 هستند . آیا ممکن است خداوند ، مردم را به پیروی از کسی که رفتار و گفتارش
 برخاسته از هوای نفس است ، مأمور کند؟ اگر این طور باشد ، حکیم بودن خداوند
 متعال زیر سؤال می‌رود . با این نتیجه ، شائی که علمای اهل سنت برای خداوند
 قائل می‌شوند ، حتی برای یک مدیر معمولی در جامعه ، قابل تصویر نیست . به
 عنوان نمونه ، مدیر کارخانه‌ای ، هنگامی که قصد مسافت دارد ، کسی را به جای

۱. سوره نساء ، آیه ۵۹ .

۲. سوره احزاب ، آیه ۲۱ .

۳. مجمع البحرين ، جلد ۱ ، صفحه ۷۶ .

خود بر می‌گزیند و به کارگران می‌گوید: «حرف او مانند حرف من، امضا و دستور او همانند امضا و دستور من است» اگر مدیر بداند شخص جایگزین، متخلف خواهد بود و ممکن است به او خیانت کند، او را جایگزین خود نمی‌کند و کارمندان را به پیروی از او مأمور نمی‌کند. محکمه‌ی عقل و مجموعه‌ی عقلا، این جایگاه را برای فردی عادی در جامعه نمی‌پسندند، چه برسد به اینکه، این اتهام به خداوند متعال نسبت داده شود.

علاوه بر اینکه اگر رسول الله ﷺ نیز مانند دیگران مرتكب گناه و عصيان شوند، هدایت کردن و الگوبودن بی معنا خواهد بود. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

«لَاطِعَةُ الْمُخْلُوقِ فِي مُعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^(۱).

فرمانبرداری از هیچ مخلوقی در نافرمانی خالق، برای مردم جایز نیست.

۲. اگر عصمت پیامبر اکرم ﷺ محدود به تلقی و ابلاغ وحی شود، با غرض غایی و نهایی خداوند متعال از بعثت همه‌ی انبیای الهی علیهم السلام منافات پیدا می‌کند؛ زیرا غرض غایی از بعثت انبیا علیهم السلام هدایت مردم به سمت نیکی‌ها و کمالات است. اگر در وجود پیامبری، احتمال خطا و اشتباه و پیروی از هوای نفس باشد، چگونه می‌تواند مردم را به سوی خوبی‌ها هدایت کند؛ اگر مصنون از دروغ‌گویی و پیروی از هواهای نفسانی اش نباشد، هدایت به سوی کمالات محقق نمی‌شود.

۳. اگر کسی عمل خلافی را نجام دهد، همه‌ی مسلمانان وظیفه دارند اورانه‌ی از منکر کنند و نهی از منکر موجب رنجش خاطر و ایدای شخص خطاکار می‌شود، زیرا کسی که نهی از منکر انجام می‌دهد در واقع می‌خواهد به انسان متخلف

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۵؛ بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۲۲۷؛ از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۳۱؛ سنن ترمذی، جلد ۳، صفحه ۲۱۶؛ تفسیر رازی، جلد ۴، صفحه ۴۷.

بفهماند که منکری را انجام می‌دهد و نتیجه‌ی آن ناراحتی شخص خطاکار است. ۱۴۱

حال اگر احتمال خطا و اشتباہ در ساحت رسول الله ﷺ راه پیدا می‌کند و ایشان ﷺ - العیاذ بالله - خلافی را مرتکب شوند و براساس تکلیف، مسلمانان، رسول خدا ﷺ را نهی از منکر کنند، ایدای پیغمبر ﷺ محقق می‌شود و ایدای ایشان ﷺ به نص آیه‌ی شریف قرآن حرام است. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأَعَدَ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾^(۱).

آنها که خدا و پیامبر اش ﷺ را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

۴. پیغمبر ﷺ بعد از تلقی و ابلاغ وحی، از طرف خداوند، مأمور به تبیین وحی نیز شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾^(۲).

ما قرآن را برای تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه رادر آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی.

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْذِكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^(۳).

و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی.

اگر عصمت پیغمبر ﷺ را فقط در تلقی و ابلاغ وحی محدود کنیم و احتمال

۱. سوره احزاب، آیه ۵۷.

۲. سوره نحل، آیه ۶۴.

۳. همان، آیه ۴۴.

۱۴۱

خطای پیامبر ﷺ را در مورد تبیین وحی جایز بدانیم، با مأموریت خداوند سازگاری ندارد؛ یعنی خداوند به پیغمبر خود ﷺ مأموریتی داده است که امکان اشتباه در ایشان ﷺ در انجام مأموریت وجود دارد.

۵. یکی از تکالیف الهی که خداوند بر دوش مسلمانان قرار داده این است که در موارد اختلافات و منازعات، به پیغمبر ﷺ جهت حل و فصل اختلاف‌ها رجوع کنند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَنَازَّ عَتْمٌ فِي شَيْءٍ فَرُدُوْهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^(۱)

و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر ﷺ بازگردانید (واز آنها داوری طلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید.

اگر احتمال خطاو اشتباه و پیروی از هوای نفس در پیغمبر ﷺ وجود داشته باشد، چگونه خداوند امر می‌کند، در مورد بروز اختلافات به شخصی رجوع کنند که ممکن است با پیروی از هوای نفس، حکمی را صادر نماید؟ موارد پنج گانه‌ی فوق، فهرست اجمالی از مطالبی بود که در مبحث عصمت رسول الله ﷺ مطرح کردیم و به تنزیه و تطهیر ساحت مقدس پیغمبر خاتم ﷺ از اتهامات پرداختیم.

مقام امامت

از جانب خداوند، دو مقام به پیامبرگرامی اسلام ﷺ اعطای شده است:

۱. مقام رسالت و نبوت.
۲. مقام امامت و رهبری مردم.

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

ایشان ﷺ همان مقام امامتی را داشتند که حضرت ابراهیم علیهم السلام آن مقام را ۱۴۱ دارا بود^(۱). خداوند متعال، در مورد امامت حضرت ابراهیم علیهم السلام می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا جَاءَكُلَّ لِلْنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْأِيْلُ عَهْدِي
الظَّالِمِينَ﴾^(۲).

من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. حضرت ابراهیم علیهم السلام عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته‌ی این مقام‌اند).

شیعیان بر این باورند که مقام امامت تا روز قیامت تداوم دارد؛ زیرا در مباحث گذشته در کلیات مسئله‌ی امامت و ولایت و همچنین ذیل «حدیث شریف ثقلین»، بیان کردیم، اگر قرار باشد قرآن تاروز قیامت حجیت واستمرار داشته باشد، «اهل بیت علیهم السلام» نیز با همان ویژگی‌هایی که قرآن دارد، باید دارای حجیت واستمرار باشند و گرنه، هم نشینی قرآن و عترت علیهم السلام معناخواهد داشت.

اما نکته‌ی اساسی آن است که اهل سنت باید بپذیرند یا مقام امامت وجود دارد یا وجود ندارد. اگر قائل به عدم وجود این مقام شدند، باید دلایلی را که قبل‌اً ذکر کردیم برای آنها بازگو کنیم. اما اگر وجود این مقام را پذیرفتند، به ناچار باید قبول کنند که این مقام دارای جایگاه عصمت و مصونیت از هرگونه انحراف و خطاو لغزش است.

۱. برای اطلاع بیشتر از اینکه تمام فرستادگان خداوند امام نبودند و آنها که نیز امام بودند در یک رتبه قرار نداشتند رجوع کنید به کتاب «سیری در آیات ولایت و امامت»، جلد ۱، صفحه ۲۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

معیار شناخت عصمت در روایات

اکنون به بررسی روایاتی در مورد ویژگی عصمت می‌پردازیم:

۱. مرحوم صدوق (رضوان الله تعالى عليه) از افرادی بودند که خداوند به عمر ایشان برکت داده است. عمر مبارک ایشان، هفتاد و پنج سال بوده است^(۱)، اما بازده عمر ایشان بسیار بیشتر از این مقدار بوده و تألیفات فراوانی دارد. یکی از تألیفات ایشان کتاب گرانسنس «من لا يحضره الفقيه» است. اگر این کتاب از شیعیان گرفته شود، از جنبه‌ی متون روایی، دچار فقر علمی خواهند شد. از دیگر آثار ایشان، کتاب «معانی الأخبار» است. در این کتاب مرحوم صدوق «رضوان الله تعالى عليه» احادیث سخت و مشکل را جمع آوری و آنها را معنا کرده است. مرحوم صدوق عليه السلام در این کتاب روایتی را از محمد بن أبي عمیر^(۲) نقل می‌کند. او می‌گوید:

«ما سمعت ولا استفدت من هشام بن الحكم^(۳) في طول صحبتی له، شيئاً أحسن من هذا الكلام في صفة عصمة الإمام عليه السلام، فإنني سأالته يوماً عن الإمام عليه السلام فهو معصوم؟ فقال: نعم. فقلت: فما صفة العصمة فيه؟ وبأي شيء تعرف؟ فقال: إنّ جميع الذنوب لها أربعة أوّجه ولا خامس لها: الحرص، والحسد، والغضب، والشهوة؛ فهذه منفيّة عنه».

۱. الاعلام زرکلی، جلد ۶، صفحه ۲۷۴؛ موسوعة طبقات الفقهاء، جلد ۴، صفحه ۴۳۲.

۲. محمد بن أبي عمیر از بزرگان روات و از صحابه‌ی خاص چند امام معصوم عليهم السلام بوده است. او در زندان هارون الرشید گرفتار شد و خواهر ایشان، کتاب‌های برادرش را در جایی پنهان نمود، اما همه‌ی کتابها از بین رفت. او بعد از اینکه از زندان آزاد شد، هر چه در خاطرش بود، دوباره بازنویسی کرد (رجال نجاشی، صفحه ۳۲۶).

۳. هشام بن حکم از صحابی جلیل القدر و جلیل المنزلة و رفیع المکان نزد حضرت امام صادق عليه السلام بود. او در علم کلام تحصص داشت و همه‌ی علمای قدرتمند اهل سنت، در مقابل استدلال‌های او عاجز بودند.

در مدتی که با هشام بن حکم هم سخن بودم، بهتر و زیباتر از کلامی که ۱۴۱
در مورد ویژگی عصمت امام علی^{علیہ السلام} بود نشنیدم و بهره نبردم، ازاو روزی
از او سؤال کردم که آیا امام علی^{علیہ السلام} معصوم است؟ پس او گفت: بلی! من
گفتم: ویژگی عصمت در امام علی^{علیہ السلام} چیست و چگونه می توان عصمت را
شناخت؟ او گفت: به درستی که تمام گناهان، چهار دلیل دارند و دلیل
پنجمی نمی یابی؛ ۱. حرص و طمع ۲. حسادت ۳. غصب ۴. شهوت؛
ولی این صفات از امام علی^{علیہ السلام} دور است.

امام علی^{علیہ السلام} دور از رذائل اخلاقی

بر اساس روایات، ریشه‌ی گناهان در چهار چیز خلاصه می‌شود که هیچ یک از
آنها در مورد امام علی^{علیہ السلام} متصور نخواهد بود.
هشام بن حکم، در ادامه‌ی روایت مذکور، ریشه‌های چهار گانه گناهان را تشریح
می‌نماید که عبارت‌اند از:

الف - «لا یجوز أن يكون حريصاً على هذه الدنيا وهي تحت خاتمه،
لأنَّه خازن المسلمين، فعلى ماذا يحرص؟».

امام علی^{علیہ السلام} بر دنیا حریص نمی‌باشند چون تمام دنیا زیر انگشتی
ایشان علی^{علیہ السلام} است؛ چرا که ایشان علی^{علیہ السلام} گنجینه دار مسلمانان هستند، با این
اوصاف بر چه چیزی حرص بورزند؟

انسان به خاطر اینکه چیزهایی را که در دسترس او نیست، به دست آورد یا از
اندوخته‌های خود محافظت نماید، دچار حرص و طمع می‌شود و دنبال جمع‌آوری
مال و مکنت و مقام دنیایی می‌رود. اما فردی که همه چیز عالم در زیر نگین
۱۳ انگشتی اوست و حاکم به همه‌ی عالم خلقت می‌باشد، نیازی به جمع‌آوری یا

در این مورد، به داستان‌های آموزنده‌ی ذیل دقت نمایید.

فضه‌ی خادمه، ظاهراً علم کیمیا را فراگرفته بود. زمانی که به خانه‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و فقر حاکم بر زندگی ایشان علیه السلام و حضرت فاطمه‌ی زهراء علیه السلام را مشاهده کرد، به وسیله‌ی علم کیمیا، مقداری طلا، مهیاکرد و خواست در اختیار حضرت علی علیه السلام بگذارد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به زمین اشاره کردند و مخازن طلا را به فضه نشان دادند^(۱).

آن کسی که همه‌ی عالم امکان، تحت قدرت اوست و همه‌ی ملک وجود،
مملوک اوست و او کسی است که شق القمر یا رد الشمس می‌کند^(۲)، چرا باید
حریص باشد؟

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در زمانی قدرت را در دست گرفتند که دامنه‌ی تصرفات مسلمین، وسعت زیادی داشت و از ایران تاروم تحت تسلط مسلمین بود. بنابر این، مالیات فراوانی جمع آوری و به مرکز حکومت فرستاده می‌شد. زمانی که مالیات‌ها را به خزانه می‌آورند، حضرت علی علیه السلام تا قبل از رسیدن شب همه‌ی آن را بین فقرا تقسیم می‌نمودند و بیت المال را جارو می‌کردند و در آنجانمازی می‌خوانند و این ضرب المثل را به مردم می‌فرمودند:

هذا جنای وخیاره فيه إذ كل جان يده إلى فيه^(۳)

اینها میوه‌هایی است که من چیده‌ام و بهترین آنها در خود آنهاست و حال آنکه همه‌ی میوه‌چینان دست‌شان به سوی دهان‌شان است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۱، صفحه ۲۷۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۸، صفحه ۳۲۹؛ از منابع اهل سنت: تفسیر رازی، جلد ۲۹، صفحه ۸۲؛

شرح نهج البلاغه (ابن أبي الحدید)، جلد ۵.

۳. بحار الأنوار، جلد ۴۰، صفحه ۲۲۳؛ أمالی شیخ صدوق، صفحه ۲۸۳.

در مورد بی اعتنایی حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام به ثروت دنیا، آمده است:

«سأله أعرابيٌّ شيئاً فامر له بآلف ، فقال الوكيل : من ذهب أو فضة ؟

فقال علیہ السلام : كلا هما عندي حجران ، فأعط الأعرابيَّ أنفعهما له^(۱)».

مردی صحرانشین از حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام در خواست کمک

نمود، امام علیہ السلام فرمودند: به او هزار تا بدھید. وکیل عرض کرد: هزار

عدد از طلا یا نقره؟ امام علیہ السلام فرمودند: طلا و نقره نزد من سنگی بیش

نیستند، پس به اعرابی آنچه به حال او بیشتر فایده دارد، بیخشن.

در حضور معاویه (علیه وعلی ابیه واولاده لعائی اللہ) فردی حضرت

امیرالمؤمنین علیہ السلام را خسیس خواند. معاویه گفت: وای بر تو چگونه می‌گویی او

بخیل ترین مردم است؟ زیرا اگر او مالک یک خانه از طلا و یک خانه از کاه باشد،

طلای خود را قیل از کاه ایشار می‌کند و هیچ چیزی از آن را باقی نمی‌گذارد^(۲).

بقیه‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مانند حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام چنین

ویژگی‌هایی داشتند.

هشام بن حکم در ادامه، می‌گوید:

ب - «ولا يجوز أن يكون حسوداً، لأنَّ الإنسان إِنْمَا يحسد من فوقه

وليس فوقه أحد، فكيف يحسد من هو دونه؟».

همچنین امام علیہ السلام حسود نمی‌باشند؛ چرا که انسان بر ما فوق خود

حسادت می‌ورزد، در حالی که کسی بالاتر از امام علیہ السلام وجود ندارد،

پس چگونه بر پایین تراز خود حسد بورزند؟

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۱، صفحه ۳۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۱، صفحه ۱۴۴؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱، صفحه ۲۲.

هنگامی که انسان، دیگری را بالاتر از خود می‌بیند، دچار حسادت می‌شود. به عنوان مثال، شخصی که خانه‌ی پانصد متری دارد، به شخصی که خانه‌ی پنج هزار متری دارد، حسادت می‌کند. اما نسبت به کسی که خانه‌ی پنجاه متری دارد، حسادتی نمی‌کند. هیچ فردی برtero و بالاتر از حضرات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نیست، تابه آن فرد حسادت کنند.

ج - «لا يجوز أن يغصب لشيء من أمور الدنيا، إلا أن يكون غضبه لله عزوجل، فإن الله عزوجل قد فرض عليه إقامة الحدود وأن لا تأخذ في الله لومة لائم ولا رأفة في دينه، حتى يقيم حدود الله عزوجل».

همچنین امام علیهم السلام به خاطر امور دنیوی غضبناک نمی‌شوند، مگر اینکه به خاطر خداوند متعال غضبناک گردد. به درستی که خداوند متعال، بر امام علیهم السلام واجب کرده است که بر اجرای حدود، قیام کنند و هرگز در راه خدا از سرزنش دیگران نهراسیده و در دین خدا مهربانی نکنند، تا زمانی که حدود خداوند متعال اقامه شود.

اگر ائمه‌ی معصومین علیهم السلام غضبناک می‌شدند، غضب آنها فقط برای خداوند متعال و اجرای حدود الهی بود. بهترین شاهد این ادعا، جنگ خندق است.

هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام قصد مبارزه با عمرو بن عبدود را نمودند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«برز الإيمان كله إلى الشرك كله»^(۱).

همه‌ی ایمان به مبارزه با همه‌ی شرک برخاست.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام در جنگ تن به تن با عمرو بن عبدود او را با آن

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۰، صفحه ۲۱۵؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱۳، صفحه ۲۶۱.

همه قدر اش، به زمین انداختند و روی سینه‌اش نشستند. او به حضرت ﷺ جسارت کرد و آب دهان‌اش را به روی مبارک حضرت ﷺ پرتاب کرد.

او خدو انداخت بر روی علی ﷺ افتخار هر بنی و هر ولی^(۱)

بعد از رفتار عَمْرُو، حضرت ﷺ از روی سینه‌ی او برخاستند و مقداری در میدان رزم قدم زدند، سپس برای مقابله با او به میدان بازگشتند. پیامبر ﷺ از حضرت امیرالمؤمنین ﷺ در مورد این عمل سؤال کردند. ایشان ﷺ پاسخ دادند: «بعد از این رفتار، احساس کردم ممکن است نفسانیات من، در قتل این دشمن خدا تأثیرگذار باشد»^(۲)، گاهی غضب، بالاترین عوارض را برای انسان به وجود می‌آورد. هنگامی که انسان غضبناک می‌شود، از دایره‌ی اعتدال خارج می‌شود و شروع به رشتگویی و زشت‌رفتاری و بدبانی می‌کند و دچار تعذر و تجاوز به حقوق و آبروی دیگران می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌فرمایند:

«الِّيْدَةُ ضَرَبٌ مِّنَ الْجَنُونِ؛ لَأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ وَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ، فَجَنُونَهُ

مستحکم»^(۳).

تندخوبی، گونه‌ای از دیوانگی است، چرا که تنده خوپشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد، دیوانگی او استوار و محکم باشد.

د- «وَلَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَّبِعَ الشَّهَوَاتِ وَيَؤْثِرُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَبَّبَ إِلَيْهِ الْآخِرَةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيْنَا الدُّنْيَا، فَهُوَ يَنْظَرُ إِلَى الْآخِرَةِ كَمَا نَنْظَرُ إِلَى الدُّنْيَا. فَهُلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَرَكَ وَجْهًا حَسَنًاً لَوْجَهَ قَبِيحًا وَطَعَامًا طَيِّبًا لَطَعَامَ مَرّ وَثُوْبًا لَثُوبَ خَشْنَ وَنَعْمَةً دائِمَةً باقِيَةً لِدُنْيَا

۱. مثنوی معنوی دفتر اول، بیت ۳۷۲۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۱، صفحه ۵۱.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۵؛ بحار الأنوار، جلد ۷۰، صفحه ۲۶۶.

زائلة فانية؟»^(۱).

و همچنین امام علیه السلام از شهوات پیروی نمی‌نمایند و دنیا را برابر آخربت برنمی‌گزینند؛ زیرا خداوند متعال ایشان علیه السلام را دوستدار آخرت قرار داده، همان‌گونه که ما را دوستدار دنیا قرار داده است، پس نگاه ایشان علیه السلام به آخرت مانند نگاه ما به دنیاست. آیا کسی را دیده‌ای که چهره‌ی زیبایی را به خاطر چهره‌ی زشتی ترک کند، یا غذای لذیذی را به خاطر غذای تلخ و بد مزه‌ای رها کند، یا لباس نرم و راحتی را به خاطر لباس زبر و خشنی ترک کند، یا نعمت ماندگار و دائمی را به خاطر دنیایی که از بین رونده و فانی است، ترک نماید؟!

گناهانی که سرچشممه‌ی آن امیال درونی و شهوات است، به خاطر کوتاهبینی و تنگ نظری انسان به این دنیاست، اما کوتاهبینی و تنگ نظری در ساحت مقدس معصومین علیهم السلام راه ندارد.

۲. حضرت امام کاظم علیه السلام از پدران شان علیهم السلام از حضرت امام سجاد علیه السلام نقل کردند که ایشان علیه السلام فرمودند:

«الإِمَامُ مَنْ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومٌ، وَلِيَسْتَعْصِمَ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقَةِ فَيُعْرَفُ بِهَا، وَلَذِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومٌ» فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! فَمَا مَعْنَى الْمَعْصُومِ؟ فَقَالَ علیه السلام: هُوَ الْمَعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَحَبْلُ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ، لَا يَفْتَرَقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالإِمَامُ علیه السلام يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الإِمَامِ علیه السلام، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِ مَنْ يَهْدِي إِلَيْهِ هُنَّ أَقْوَمُ».»^{(۲)(۳)}

۱. معانی الاخبار، صفحه ۱۳۳؛ جلد ۲۵، صفحه ۱۹۲.

۲. سوره إسراء، آیه ۹.

۳. معانی الاخبار، صفحه ۱۳۲؛ بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۱۹۴.

امام علیؑ از خاندان ما، معصوم است و عصمت در ظاهر و صورت

امام علیؑ ظاهر نمی شود، تا بتوان به این وسیله ایشان علیؑ را شناخت؛

به همین دلیل است که امامت به نصّ و تصریح [پیامبر ﷺ یا امام

قبلی] است. شخصی عرض کرد: ای فرزند رسول خدا ﷺ! معنای

معصوم چیست؟ امام علیؑ فرمودند: معصوم کسی است که به ریسمان

خداوند متعال چنگ می زند و ریسمان خداوند، همان قرآن است که

این دو، تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند. امام علیؑ به سوی

قرآن و قرآن نیز به سوی امام علیؑ هدایت می کند و این مطلب، همان

کلام خداوند متعال است که فرمود: «این قرآن، به راهی که

استوارترین راهها است، هدایت می کند».

مرحوم عیاشی، در کتاب تفسیر خود، از فضیل بن یسار^(۱) نقل می کند که

حضرت امام محمد باقر علیؑ در ذیل آیه‌ی فوق می فرمایند:

«یهُدِي إِلَى الْوَلَايَةِ»^(۲).

به سوی ولایت، هدایت می کند.

«أَقْوَم» از ریشه‌ی «قَوَمَ» و به معنای قیام است. قیام، حالتی است که انسان

در آن از همه‌ی حالات دیگر، تواناتر و قوی‌تر می باشد و قدرتی که انسان در حال

ایستادن دارد، در حالت خوابیدن یا نشستن ندارد. با توجه به این معنا، مفهوم

جمله‌ی «يَهُدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ» این است که اگر کسی متمنسک به قرآن باشد،

قرآن، انسان را به استواری و ثبات و پایمردی هدایت می کند.

۱. وی نقہ و از اصحاب حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام بود و در

۱۹ زمان حضرت امام صادق علیهم السلام از دنیا رفت (معجم رجال حدیث، جلد ۱۳، صفحه ۳۳۵).

۲. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه ۲۸۳.

با توجه به مطالب مذکور، اگر فردی به قرآن تمسک کند، آیا قرآن او را به سوی پیروی از ابوبکر و عمر هدایت می‌کند؟ در صحیح بخاری نقل شده است که وقتی که پهلوان شهر کاشان حضرت ابوالؤلؤ (رضوان الله علیه و تغمدہ اللہ بغفرانہ وسلم اللہ علیہ) به عمر ضرباتی وارد کرد که باعث مرگ وی شد. عمر در بستر مرگ گفت: برای من شرابی بیاورید. هنگامی که آن را نوشید، از جای زخم اش شراب جاری شد^(۱). اگر فرض کنیم دو کرسی در جایی وجود داشته باشد، بر روی یکی از آنها عمر نشسته باشد و بر روی دیگری حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام نشسته باشند، انسان به دامان کدام یک از این دو پناه می‌آورد و به آن متهم می‌شود؟ قرآن، انسان متهم می‌شود که قرآن را به سوی پیروی از حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام که از خداوند متعال و کتاب الهی جدایی ندارد، هدایت می‌کند. پیغمبر گرامی اسلام علیه السلام می‌فرمایند:

«علیٰ علیلًا مع القرآن والقرآن مع علیٰ علیلًا»^(۲).

علی علیلًا همراه قرآن است و قرآن همراه علی علیلًا است.

«علیٰ علیلًا مع الحق والحق مع علیٰ علیلًا»^(۳).

علی علیلًا با حق و حق با علی علیلًا است.

در آیه‌ای دیگر، خداوند دین اقوام را همان «فطرت» معرفی می‌کند.

۱. صحیح بخاری، جلد ۴، صفحه ۲۰۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۰، صفحه ۷۷؛ از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۲۴؛ کنزالعمل، جلد ۱۱، صفحه ۶۰۳؛ مجمع الزواید، جلد ۹، صفحه ۱۳۴، فیض القدیر، جلد ۴، صفحه ۴۷۰.

۳. بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۴۳۲؛ از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۷، صفحه ۲۳۷؛ شرح نهج البلاغه (ابن أبي الحديد)، جلد ۱۸، صفحه ۷۲؛ تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۹۹، صفحه ۴۲.

﴿فَأَقْمُ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا
تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ﴾^(۱).

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را برابر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار.

دین قیم که خداوند، فطرت انسان‌ها را برابر آن آفریده است، دین همراه با ولایت است و استواری و ثبات و پایمردی در دین اقوم، جز در سایه سار ولایت ممکن نیست.

۳. حسین اشقر^(۲) می‌گوید: از هشام بن حکم پرسیدم:
 «ما معنی قولکم: إِنَّ الْإِمَامَ عَلَيْهِ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا؟» فقال: سائل
 أبا عبدالله عَلَيْهِ عَنْ ذَلِكَ، فقال عَلَيْهِ: المَعْصُومُ هُوَ الْمُمْتَنَعُ بِاللهِ مِنْ
 جَمِيعِ مَحَارِمِ اللهِ، وَقَالَ اللهُ تَبارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللهِ فَقَدْ
 هُدِيَ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۳)^(۴).

معنای گفتار شما چیست که: امامی نیست، مگر آنکه معصوم است؟ هشام گفت: از حضرت امام صادق عَلَيْهِ در این مورد پرسیدم، امام عَلَيْهِ فرمودند: معصوم کسی است که به وسیله‌ی خداوند متعال، ارتکاب محظمات الهی در ایشان راه ندارد و ممکن نیست. خداوند متعال می‌فرماید: «و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است».

۱. سوره روم، آیه ۳۰.

۲. از روایات بوده و به محضر حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مشرف می‌شده است.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۴. معانی الأخبار، صفحه ۱۳۲.

زمانی که فرد به صراط مستقیم هدایت شد، می‌تواند دیگران را به سوی صراط مستقیم هدایت کند. اما کسی که در سنگلاخ‌ها و کوره راه‌های ضلالت و تاریکی‌های جهالت قدم بر می‌دارد و معتصم به حبل الله نمی‌باشد، چگونه می‌تواند هدایت‌گر مردم باشد؟ کسی که مسائل ابتدایی دین مثل مسائل تیمم، نماز، ارت و امام جماعت را نمی‌داند و حکم وجوب جماعت را برای نمازهای مستحبی صادر می‌کند^(۱) - که قرن‌ها این ملعنت برای خلیفه‌ی دوم باقی است -، نمی‌تواند امت اسلامی را به سوی صراط مستقیم هدایت کند، زیرا مقام هدایت برای صاحبان عصمت است.

عصمت از «مقوله‌ی علم» است؛ یعنی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام بر تمام عوالم وجود احاطه‌ی علمی دارند. احاطه‌ی علمی حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام به حدی بود که دوست و دشمن را به شگفتی می‌آورد.

روزی عمر به حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام عرض کرد: شما در پاسخ مسائل مورد سؤال عجله می‌کنید. حضرت علی علیهم السلام دست خود را به عمر نشان دادند و فرمودند: چند تا است؟ عمر عرض کرد: پنج تا. حضرت علی علیهم السلام فرمودند: زود پاسخ دادی و عجله کردی! عمر عرض کرد: چیزی بر من پنهان نبود. حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام فرمودند: من در پاسخی که برایم پنهان نیست، شتاب می‌کنم^(۲). کسی که عالم به همه‌ی کون وجود است و همه‌ی عالم مثل کف دستان اش در منظر و مشهد اوست، دارای مقام عصمت است.

«والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته»

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۱، صفحه ۷؛ از منابع اهل سنت: صحيح بخاری، جلد ۴، صفحه ۲۱۸.
۲. بحار الأنوار، جلد ۴۰، صفحه ۱۴۷.

خودآزمایی

- ۱۴۱
- ۱ آیا صحابه دارای مقام عدالت هستند؟
- ۲ دلیل طرفداری اهل سنت از صحابه چیست؟
- ۳ غرض غایبی پروردگار از بعثت انبیا چه بوده است؟
- ۴ چرانمی توان رسول الله ﷺ رانهی از منکر نمود؟
- ۵ پیامبر اکرم ﷺ دارای چه مقاماتی بودند؟ نام ببرید؟
- ۶ هشام بن حکم سرمنشأهمه‌ی گناهان رادر چه چیزهایی خلاصه می‌کند؟
- ۷ چرا ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نمی‌توانند حریص باشند؟
- ۸ حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام چگونه و چه زمانی بیت المال را تقسیم می‌کردند؟
- ۹ چرا انسان‌های معمولی دچار حسادت می‌شوند؟
- ۱۰ آیا غصب در همه‌ی موقع، مورد سرزنش واقع شده است؟
- ۱۱ قرآن مجید، انسان را به پیروی از چه کسی هدایت می‌کند؟
- ۱۲ قرآن مجید دین قیم را چه دینی می‌داند؟

زمانی که فرد به صراط مستقیم هدایت شد ،
می تواند دیگران را به سوی صراط مستقیم هدایت
کند . اما کسی که در سنگلاخها و کوره راه های
ضلال و تاریکی های جهالت قدم بر می دارد و
معتصم به حبل الله نمی باشد ، چگونه می تواند
هدایت گر مردم باشد ؟ کسی که مسائل ابتدایی
دین مثل مسائل تیمم ، نماز ، ارث و امام جماعت
رانمی داند و حکم وجوب جماعت را برای
نماز های مستحبی صادر می کند - که قرن های این
ملعتمت برای خلیفه‌ی دوم باقی است - نمی تواند
امت اسلامی را به سوی صراط مستقیم هدایت
کند ، زیرا مقام هدایت برای صاحبان عصمت
است . (صفحه ۲۲ از همین جزو)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
- ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن همراه خود یاد و سtanتنan را با نام به سیستم ارسال کنید .

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی قائمه

تلفن: ۴۴۴۹۹۳۳ - ۴۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۴۳۴۳ نمبر:

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir